

تحلیل ادراک دانشجویان از مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن در

رشته علوم تربیتی

DIO: <https://dx.doi.org/10.22070/TLR.2022.15384.1180>

محمد فتاحی^۱، مرضیه دهقانی^{۲*}، کیوان صالحی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل ادراک دانشجویان دانشگاه تهران، از مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن در رشته علوم تربیتی است. در این راستا از رویکرد پژوهش کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. میدان پژوهش دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. نمونه پژوهش ۲۹ نفر از دانشجویان رشته علوم تربیتی و گرایش های مختلف آن (۱۰ نفر کارشناسی - ۱۹ نفر تحصیلات تکمیلی) بودند که به روش نمونه گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. پس از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر، اشباع نظری داده ها حاصل گردید و لیکن در جهت اعتباربخشی به یافته ها، مصاحبه ها تا ۲۹ امین نفر ادامه یافت. تحلیل داده ها با استفاده از راهبرد هفت مرحله ای کلازی و نرم افزار MAXQDA 2020 صورت پذیرفت. به منظور اعتبار یافته ها، روش بازبینی توسط اعضا، به کار گرفته شد. همچنین به منظور رعایت ویژگی های کیفی پژوهش، از سه ملاک قابل قبول بودن، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان، استفاده شد. با تحلیل داده ها؛ در مجموع برای معنا و مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن، ۸ مضمون و ۱۶ زیر مضمون استخراج گردید. مطابق نتایج، در مجموع، مفهوم یادگیری زائد، با کاربردی نبودن محتوا و آموخته ها و پیامدهای آن نیز با پیامدهای شخصیتی، اتلاف زمان و هزینه و آسیب های اجتماعی همراه است.

نشریه علمی

پژوهش های آموزش و یادگیری

دوره ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۳۳
بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص: ۷۰-۵۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.18, No. 1, Serial 33

Spring & Summer
2021

pp.: 53-70.

کلیدواژه ها: یادگیری زائد، برنامه درسی زائد، رشته علوم تربیتی، ضایعات برنامه درسی، پدیدارشناسی

*Email: dehghani_m33@ut.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

مقدمه

بندی های مختلفی مطرح شده است. که مهمترین آنها، تقسیم بندی آیزنر^۱ است که آن را به سه نوع تقسیم کرده- است: صریح (رسمی)، برنامه درسی پنهان (ضمنی) و برنامه درسی نال^۲ [۵]. آنچه در این تقسیم‌بندی به نوعی فراموش شده است، برنامه درسی است که بخش‌هایی از آن برای هر رشته، ناکارآمد یا زائد باشد و به عبارت دیگر با پیشرفت جامعه و شغل‌های مرتبط با آن تناسب نداشته باشد و در مشاغل به کار نیاید. به این نوع برنامه درسی، برنامه درسی زائد گفته می‌شود.

زمانی یک برنامه آموزشی، می‌تواند ارزشمندی خود را توجیه کند که شواهد قابل اطمینان و معتبری در مورد بهبود نگرش، ارتقاء مهارت و افزایش دانش عرضه کند. بعضا برنامه‌هایی در سازمان‌ها اجرا می‌شوند، اما به دلیل فقدان انتقال و یادگیری، تاثیر حداقلی و یا حتی منفی دارند. دانش و مهارت‌های جدید تدریس می‌شوند، اما هرگز برای کار واقعی سازمان بکار گرفته نمی‌شوند [۶]. بنابراین مسئله‌ای که نیاز است به آن توجه شود، پاسخ به این سؤالات است که آیا تمامی آنچه دانشجویان یا کارکنان از محیط آموزشی فرا گرفته‌اند، برای بازار رقابتی کار قابل کاربرد است؟ یا صرف این همه هزینه برای توسعه منابع انسانی توجیه اقتصادی دارد؟ اینها سؤالاتی است که در مفهوم یادگیری زائد جای می‌گیرد [۷]. با توجه به مفهوم یادگیری زائد که برخی از صاحب نظران همچون متاکس^۳ آن را نقصانی که در عملکرد فراگیر که پس از آموزش حاصل می‌شود و یا مقدار قابل اندازه گیری از یادگیری که پس از آموزش از بین می‌رود یا آموزشی که بیشتر آن غیر قابل استفاده خواهد ماند [۸، ۹]؛ تعریف می‌کنند و در مباحث مربوط به مدیریت سازمانی و سازمان‌های یادگیرنده نیز مطرح است، می‌توان از این مفهوم در حوزه تعلیم و تربیت به ویژه در مطالعات برنامه درسی وام گرفت و با عنوان مفهوم برنامه درسی زائد آن را در نظام آموزش عالی معرفی نمود. مشاهده افرادی که در محیط‌های غیر از تخصص خود مشغول به کار هستند و یا تکرار دوره‌ها و عدم مشاهده تغییر در فرایند کار، نشان می‌دهد که آموزش‌های کاربردی برای محیط کار به آموزش‌های متناسب با نرخ رشد فناوری و علم در جهان امروزی چندان موفق عمل نکرده‌اند. به این ترتیب یادگیری زائد مسئله‌ای

امروزه در عصر پر تحول علم و فناوری، می‌توان مزایای رقابتی پایدار را کلیدی برای موفقیت یا شکست در نظر گرفت. در این میان، آموزش عالی کارآمد، نقطه عطفی برای بهبود موقعیت و عملکرد دانش‌آموختگان به عنوان منابع انسانی مورد نیاز دستیابی به توسعه پایدار، به حساب می‌آید، همچنین برای ورود و بقا در بازارهای کار ملی و بین‌المللی و کاهش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان نیز حائز اهمیت است. نظام آموزشی که با هدف غایی و نیازهای واقع بینانه جامعه تناسب داشته و در راستای آنها حرکت کرده و توانایی تربیت نسل جوان را برای رسیدن به اهداف دارا باشد، نظام آموزشی کارا و اثربخش خواهد بود. برنامه درسی از مهمترین عناصر نظام دانشگاهی است که در تحقق رسالت‌ها و اهداف آن، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی نقش تعیین کننده ای دارد. تدوین برنامه درسی منتهی به یادگیری اثر بخش، از اهداف عمده در نظام دانشگاهی است که تأثیر در کاهش نرخ بیکاری افراد آموزش دیده در جامعه از پیامدهای اصلی آن است. لازم به ذکر است، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی به عنوان بخش عمده‌ای از قشر فرهیخته کشور، از مسائل و دغدغه‌های بسیار مهم پیش‌روست. رویکردهای آموزشی باید فراگیران را تشویق به تصمیم‌گیری، پذیرش اشتباه و یادگیری از اشتباه کنند [۱]. برنامه درسی باید متناسب با نیازهای یادگیرندگان و جامعه تدوین گردد و پاسخگوی تغییر و تحولات و نیازهای متناسب با این تحولات باشد؛ از این رو برنامه‌های درسی، قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند و آیین نقش‌ها و اهداف آموزش عالی می‌باشند که شایسته توجه دقیق هستند. کیفیت آموزش عالی؛ تطابق درون‌داد، فرآیند و برون‌داد و پیامدهای این نظام با استانداردهایی که به منظور بهبود فعالیت‌های آموزش عالی و با توجه به رسالت‌ها، اهداف و انتظارات آموزش عالی تدوین شده، می‌باشد [۲]. یکی از عناصر اصلی و مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و تناسب نگرش، دانش و مهارت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها با آخرین دستاوردهای علمی، فناوری و نیاز بازار کار است [۳]؛ برای آگاهی از چنین امری برنامه‌های درسی باید به طور مداوم مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرند [۴]. از انواع برنامه‌های درسی، تقسیم

³ Scrap curriculum

⁴ Scrap Learning

⁵ Mattox

¹ Eisner

² Null

یادگیری"، "عدم ارائه حمایت‌های لازم"، "نبود امکانات و تجهیزات"، "عدم توجه به نیاز کارکنان و نتایج ارزشیابی‌ها" را از مهمترین عوامل زمینه ساز عدم کاربرد آموخته‌ها در محیط کار بیان کرده اند [۱۵]. افزایش یادگیری‌های زائد، کاهش انگیزه افراد را به دنبال داشته، و این پدیده می‌تواند منتج به کاهش یادگیری اثربخش و ناکارآمدی نظام آموزشی و دانشگاهی شود [۱۳، ۱۶]. از جمله تعاریف مربوط به یادگیری زائد می‌توان به عدم تناسب محتوا با اهداف و نیاز بازار کار اشاره کرد. در این باره محتوای آموزشی می‌بایست بر مبنای اصول یادگیری و تاکید بر حل مساله، ابتکار عمل یادگیرندگان، تفکر نقاد، و یادگیری تجربی طراحی شود و انتقال مهارت‌ها به محیط کار را آموزش داده و حامی آن باشد [۹، ۱۲]. در واقع سازگار نبودن خروجی مورد انتظار نظام آموزشی با محیط در حال تغییر، از برجسته ترین پیامدهای برنامه درسی زائد در جامعه است [۱۷].

متاکس در مطالعه‌ای تحت عنوان "یادگیری زائد و درگیری (مشارکت) مدیر" و کینگ در مطالعه‌ای با عنوان "حرکت عقربه: یادگیری مهارت چگونه بر عملکرد افراد و سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد"؛ اشاره کردند که یادگیری زائد منجر به کاهش انگیزه و انتقال یادگیری می‌گردد [۱۳، ۱۶]. همچنین متاکس معتقد است که دانش آموختگان، به فرصت‌هایی نیاز دارند که دانش جدید و مهارت‌هایشان را به کار گیرند و ویژگی‌های محیط کار نیز در یادگیری زائد نقش دارد. آن‌ها اذعان کردند که با افزایش یادگیری‌های زائد ضمن اینکه انگیزه افراد پایین می‌آید، باعث کاهش یادگیری اثربخش و ناکارآمدی نظام آموزشی می‌شود [۸]. مونتسینو در مطالعه‌ای با عنوان "یک مطالعه توصیفی از برخی ابعاد سازمانی - رفتاری در جمهوری دومینیک: پیامدهای توسعه مدیریت و آموزش" و هولتن و بادوین‌در بخشی از کتاب "بهبود انتقال یادگیری در سازمان‌ها"؛ بیان کردند که طراحی محتوای برنامه آموزشی مطلوب، یکی از عوامل موثر در کاهش یادگیری زائد و انتقال بهینه آموزش است [۱۸، ۱۹].

از اهداف مهم نظام دانشگاهی می‌توان به تحقق اهداف آموزشی به صورت یادگیری اثربخش و پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد اشاره کرد و این در حالی است که با توجه به آمارهای ارائه شده، بیش از ۶۰ درصد آن چه به اصطلاح آموخته می‌شود، به صورت یادگیری زائد، هدر می‌رود [۱۳].

است که در محیط‌های آموزشی رخ می‌دهد و مشاهدات نشان می‌دهد که کمتر به آن پرداخته شده است.

در این خصوص برای اولین بار در سرمقاله‌ای با این مضمون که سرفصل‌های بعضی از دروس و واحدهای برخی از رشته‌ها زائد است، در واقع به معرفی برنامه درسی زائد در ادبیات علوم تربیتی پرداخته است [۱۰]. تعریفی که متاکس از این مفهوم دارد: نقصی که در عملکرد فراگیر پس از آموزش، حاصل می‌شود و به عبارت دیگر مقدار قابل اندازه‌گیری از یادگیری که پس از آموزش از بین می‌رود یا آموزشی که بخش اعظم آن غیر قابل استفاده خواهد ماند [۸، ۹]. آموزشی که به هدر می‌رود، یادگیری زائد است [۱۱] و آموزشی که در شغل مورد نظر به کار گرفته نشود [۱۱، ۱۲] و برای بهبود عملکرد، مورد استفاده قرار نگیرد [۱۲] است. طبق نظر استاد برجسته دانشگاه میشیگان غربی، رابرت ا. برینکرهوف؛ معمولاً فراگیران پس از آموزش، در یکی از سه دسته زیر قرار می‌گیرند: (۱) آنها سعی نمی‌کنند آموزش را اعمال کنند؛ (۲) آنها سعی می‌کنند آموزش را اعمال کنند، اما نتیجه قابل توجهی نمی‌گیرند؛ (۳) آنها آموزش را اعمال می‌کنند و نتایج مثبتی می‌گیرند. نتایج مثبت تقویت می‌شوند و فراگیران را وادار به استفاده مجدد از مهارت‌های خود می‌کنند. با این حال برینکرهوف تخمین می‌زند که برنامه موفقیت‌آمیز گروه سه، تا ۲۰ درصد پایین باشد. ۸۰ درصد باقیمانده به عنوان یادگیری زائد شناخته می‌شود؛ یادگیری که انجام شده اما مانند گروه‌های یک و دو به صورت ناموفق اعمال شده و بنابراین هدر می‌رود [۱۳].

پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که در حوزه آموزش‌های سازمانی نیز، تنها حدود ۴۰ درصد از آموخته‌های کارکنان در برنامه‌های آموزشی، بلافاصله پس از آموزش به محیط کار انتقال یافته و پس از ۶ ماه به مقدار ۲۵ درصد و با گذشت یک سال به ۱۵ درصد کاهش می‌یابد [۱۱]. زمانی که آموزش ارائه شده به کارکنان، به محیط کار آنها منتقل نمی‌شود؛ در حقیقت آنها زمان، پول و اعتقاد به آموزش را به عنوان یک سرمایه گذاری تجاری مناسب و با صرفه از دست می‌دهند [۱۴]. همچنین برشان و همکاران در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر شکل گیری یادگیری زائد در آموزش‌های ضمن خدمت (یک مطالعه کیفی)"؛ "در نظر نگرفتن نگرش، انگیزه و اخلاق حرفه ای شرکت کنندگان"، "عدم توجه به میزان آمادگی آنان برای

² Holton & Baldwin

¹ Robert O Brinkerhoff

اشتغال شده و در زمینه‌های مختلف این رشته، از جمله؛ آموزش (آموزش پیش دبستان و دبستان، آموزش کودکان استثنایی، آموزش و بهسازی منابع انسانی، آموزش بزرگسالان)، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و درسی، راهنمایی و مشاوره، تحقیق و پژوهش و موارد دیگر، ایفای نقش کنند؛ اما متأسفانه با توجه به آمار ارائه شده توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، آمار بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه، بالا بوده و دانش آموختگان رشته‌های علوم انسانی بخش قابل توجهی از این بیکاران را تشکیل می‌دهند [۲۳، ۲۴]. این موضوع و مباحث مطرح شده پیشین، بیانگر اهمیت برنامه درسی رشته علوم تربیتی و به تبع آن، احتمال ایجاد یادگیری زائد حاصل از آن است.

همانطور که بیان گردید در مجموع پیشینه‌های داخلی، مطالعات بیشتر با رویکرد کیفی انجام گرفته‌اند و یک مورد نیز با رویکرد کمی‌گرا به این موضوع نگریسته است. در پژوهش‌های داخلی عوامل و سازه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری یادگیری زائد، پیامدهای آن و راهکارهای معدودی نیز ارائه شده است. در مجموعه پیشینه‌های خارجی؛ بیش از چند مورد، آن هم بصورت کمی‌گرایانه انجام نگرفته است، مواردی از قبیل آمارهای حاصل از پیامدهای یادگیری زائد و عوامل موثر در شکل‌گیری آن نیز به صورت معدود ارائه گردیده است. طبق موارد مذکور در پیشینه، تاکنون پژوهشی بر دانشجویان رشته علوم تربیتی در خصوص یادگیری زائد انجام نگرفته، بر این اساس در پژوهش حاضر، با توجه به اینکه بافت پژوهشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بوده و از دانش آموختگان رشته علوم تربیتی این دانشکده انتظار بیشتری در زمینه یاددهی - یادگیری می‌رود و برای تربیت نسل آتی در نظام آموزشی شایان توجه بیشتراند؛ مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن از منظر آنان مورد واکاوی قرار داده خواهد شد و در صدد پاسخگویی به این دو پرسش است:

۱- از منظر دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران،

یادگیری زائد، چه معنا و مفهومی دارد؟

۲- پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی

چیست؟

در چنین شرایطی، خروجی نظام آموزشی آن طور که باید با محیط در حال تغییر جامعه سازگار نیست، در نتیجه منجر به ایجاد چالش در اشغال‌پذیری فارغ التحصیلان می‌گردد. در کشور ما هم اکنون هرچه تحصیلات اضافه می‌شود، احتمال بیکاری بیشتر است. براساس آخرین آمارهای موجود سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران، ۴۰٫۲ درصد بوده که درصد قابل توجهی است [۲۰]. هرچه یادگیری‌های زائد افراد، بیشتر شود، انگیزه آنان پایین می‌آید به عبارت دیگر رابطه‌ای معکوس بین این دو گزاره حاکم است، این پدیده می‌تواند به افت یادگیری اثربخش و ناکارآمدی نظام آموزشی و دانشگاهی منتج شود [۱۳، ۱۶]. واقعیت این است که بخش زیادی از این آموزش‌ها (به طور متوسط ۶۲ درصد) یا برای محیط کار، کاربردی نیستند و یا توسط افراد فراگیر، به کار برده نمی‌شوند [۲۱]. همچنین متاکس بیان می‌کند که یادگیری زائد فراگیر بوده و ۷۶ درصد از متخصصان یادگیری و منابع انسانی نشان داده‌اند که فراگیران، ۵۰ درصد یا کمتر از آنچه می‌آموزند، استفاده می‌کنند [۱۳]. حسینی لرگانی و فتحی و اجارگاه در پژوهشی کیفی که به روش داده بنیاد انجام گرفته بود با عنوان: "مفهوم سازی برنامه درسی زائد در نظام آموزش عالی ایران؛ خروجی ناسازگار نظام آموزشی با محیط در حال تغییر جامعه را یکی از بارزترین پیامدهای برنامه درسی زائد برشمردند. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها به ترتیب عبارت‌اند از: "انگیزه کم در بین استادان و دانشجویان"، "حضور طراحان و برنامه‌ریزان در تدوین برنامه درسی با رویکرد سلیقه‌ای"، "سیاست‌های تمرکزگرایانه و عرضه محور"، "دانش محور نبودن اقتصاد کشور"، "مسئله محور نبودن برنامه‌های درسی و اختصاص بودجه ناکافی"، "افزایش نرخ بیکاری به ویژه در بین دانش آموختگان"، "نیروی انسانی ناکارآمد"، "مهاجرت نخبگان و کاهش بی‌اعتمادی به آموزش عالی" [۱۷].

اهمیت پرداختن به رشته علوم تربیتی و بررسی مفهوم و پیامدهای یادگیری زائد در آن، با توجه به ایفای نقش دانش آموختگان این رشته در جامعه و اینکه آنان عنان آموزش و پرورش نسل‌های بعدی را بر عهده دارند، قابل توجه است [۲۲]. مطابق با برنامه درسی اصلی رشته علوم تربیتی، از دانش آموختگان انتظار می‌رود پس از گذراندن دوره، بتوانند فراخور زمینه مورد علاقه و تحصیل خود وارد فضای کار و

مشارکت کنندگان اطمینان داده شد در صورت تمایل، نتایج پژوهش در اختیارشان قرار خواهد گرفت. پس از انجام هر مصاحبه، بلافاصله محتوای مصاحبه‌ها به دقت به صورت کلمه به کلمه و عین عبارت شرکت کنندگان با استفاده از نرم افزار ورد تایپ شده و پیاده‌سازی گردید و سپس به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در تحلیل داده‌ها از نرم افزار MAXQDA 2020 استفاده شد و راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی^۴ مبنای تحلیل قرار گرفت [۲۷]. روش کلایزی روشی توصیفی در تحلیل محتوا است که در این پژوهش به شکل زیر به کار گرفته شد:



شکل ۱. راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی در تحلیل داده‌های کیفی

۱) خواندن تمام پروتکل‌ها: به منظور به دست آوردن یک احساس و آشنایی اولیه با مفاهیم و نظرات مشارکت کنندگان، روایت‌های آنان که به طور مرسوم پروتکل نام دارد؛ به دقت گوش داده شده، در نرم افزار ورد پیاده سازی و پس از چندین بار مرور، در نرم افزار MAXQDA 2020 وارد گردید.

۲) استخراج جملات مهم: بدین منظور، هر پروتکل مورد بررسی قرار گرفت و عباراتی که مستقیماً با موضوع مورد مطالعه مرتبط بود، به صورت تدریجی و گام به گام مطابق پرسش‌های پروتکل مصاحبه مشخص و استخراج گردید. پرسش‌های پروتکل مصاحبه در دو دسته کلی " معنا و مفهوم یادگیری زائد " و " پیامدها و راهکارها " در رشته علوم تربیتی طرح و پرسیده شد.

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است.

هدف پژوهشگر از اجرای طرح تحقیق پدیدارشناسی آن است که معنی یک پدیده یا مفهوم مورد مطالعه را از نظر یک گروه افراد بررسی کند [۲۵]. در تحقیق پدیدارشناسی تلاش محقق این است که پدیده‌ها را از طریق عمق تجربه‌های افراد از درون احوال و منویات آنها فهم کند. پس پشت اعمال مردم، درک، نیت‌ها و معناهایی نهفته است [۲۶].

در پژوهش حاضر، میدان تحقیق^۲ شامل تمام دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، در مقاطع تحصیلی مختلف است. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به روش هدفمند، از نوع ملاکی و با در نظر گرفتن دو ملاک: ۱) دانشجوی رشته علوم تربیتی (و گرایش‌های مختلف آن) دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران بودن و ۲) تمایل به شرکت در پژوهش داشتن؛ بود. تعداد مشارکت کنندگان پژوهش، ۲۹ نفر از دانشجویان به شرح زیر بود: ۱۰ نفر از دانشجویان کارشناسی رشته علوم تربیتی؛ ۱۹ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)، که گرایش‌های ۱۲ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد؛ آموزش بزرگسالان، برنامه ریزی درسی، مدیریت آموزشی و تحقیقات آموزشی و گرایش‌های ۷ نفر دانشجوی دکترا؛ برنامه ریزی درسی، سنجش و اندازه‌گیری، مدیریت آموزشی، آموزش عالی (گرایش مدیریت) بود.

برای گردآوری داده‌های از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته^۳ استفاده شد. در این پژوهش پس از مصاحبه بیستم اشباع نظری داده‌ها حاصل گردید. به دلیل شیوع ویروس کرونا، مصاحبه‌ها بصورت غیر حضوری و در قالب‌های تماس صوتی در فضای اسکایپ، تبادل فایل صوتی و متنی در پیام‌رسان واتس‌آپ و تلگرام؛ انجام، ضبط و ثبت شد. زمان انجام هر مصاحبه بین ۲۵ تا ۶۷ دقیقه متغیر بود. به دلیل رعایت اخلاق پژوهشی مبنی بر عدم افشای نام مشارکت‌کنندگان، یافته‌های به‌دست‌آمده از هر مصاحبه، بدون نام مشارکت‌کننده و براساس دانشجوی مقطع کارشناسی، یا تحصیلات تکمیلی بودن طبقه‌بندی شد. در نهایت به

³ Semi-structured Interview

⁴ Colizzi's seven- step method

¹ Phenomenology

² Research Field

رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان ارسال شد و موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب ذکر شده مشخص گردید. به‌منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها، که در حقیقت به ثبات نتایج در زمانها و شرایط مختلف اشاره دارد؛ یک محقق دوم در نقش داور، که در زمینه تحقیق یا روش انجام تحقیق توانایی بیشتری داشت به عنوان ناظر خارجی بر انجام تحقیق نظارت و آن را کنترل می‌کرد. در نهایت، در مورد ملاک تأییدپذیری، برای اینکه نشان داده شود یافته‌ها واقعا مبتنی بر اطلاعات حاصل هستند، روش نگارش یادداشت‌های تأملی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، جهت تبیین ادراک دانشجویان مقاطع تحصیلی مختلف رشته علوم تربیتی از یادگیری زائد و پیامدهای آن در این رشته؛ یافته‌ها حول دو محور اساسی که پرسش‌های پژوهشی هستند؛ بدست آمد. جدول شماره ۱ خلاصه ای از یافته‌ها را نشان می‌دهد. جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهشی، با ۲۹ نفر از دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران مصاحبه انجام شد.

پاسخ به پرسش اول

- از منظر دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران، یادگیری زائد، چه معنا و مفهومی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، محور اول مصاحبه مورد نظر است. صحبت‌های دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری در گرایش‌های مختلف علوم تربیتی در رابطه با درک و برداشت آنان از یادگیری زائد در رشته خود؛ بررسی گردید؛ پس از تحلیل، بر ۳ مضمون اصلی و ۶ زیرمضمون استوار گشت. مضمون‌های اصلی ناظر بر "درک ناکافی از اهداف یادگیری"؛ "یادگیری محتوای غیرکاربردی" و "ناهمسویی آموزش‌ها با نیاز افراد و جامعه" است. شکل ۲ بیانگر این مطلب است.

لازم به ذکر است، تعداد ۳۴۸ کد از کل بیانات مشارکت‌کنندگان بدست آمد.

(۳) فرموله کردن معانی: با مرور منظم جملات استخراج شده، تلاش گردید تا به درک معانی هر یک از جملات و ارتباط آن‌ها، پی برده شود؛ سپس معنای جملات مهم به صورت کد یادداشت شد؛ این کدها به طور منظم و طبق طبقه بندی پرسش‌ها و مفاهیم آن‌ها، در نرم افزار وارد گردید.

(۴) ایجاد تم‌ها (موضوعات اصلی): مراحل فوق برای تمامی مصاحبه‌ها تکرار گردیده و معانی فرموله شده و مرتبط به هم، یعنی کدهایی که به لحاظ مفهومی تشابه داشتند در یک طبقه با نامی مجزا قرار داده شدند. در نرم افزار، کل تم‌ها زیر دو محور کلی "معنا و مفهوم یادگیری زائد" و "پیامدها و راهکارها" طبقه بندی شدند.

(۵) تلفیق نتایج: با ادغام طبقات مختلف بر اساس مفاهیم مشترک، مفاهیم کلی تری ایجاد شد و توصیفات کلی مربوط به پدیده، در قالب مضامین و زیرمضامین تلفیق گردید.

(۶) بیان ساختار ذاتی پدیده: بدین منظور توصیف جامع پدیده تحت مطالعه، در قالب ساختاری شامل ۲ محور اساسی که در مرحله ۴ بیان گردید، به صورت یک بیانیه صریح و روشن ارائه شد.

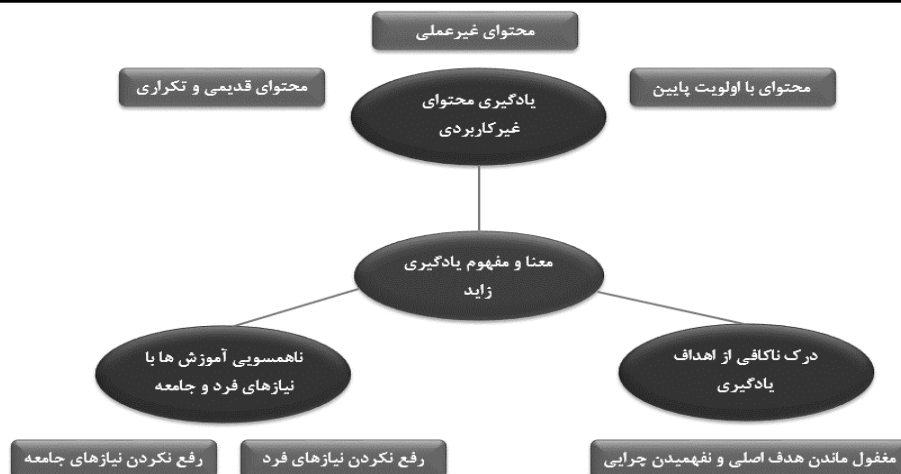
(۷) اعتبارسنجی یافته‌ها: به‌منظور اعتبار داده‌های کیفی از روش بازبینی توسط اعضا استفاده شد؛ بدین صورت که به‌منظور اطمینان از موثق بودن یافته‌ها، آن‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه گردید که بعد از اعمال تعدیل‌های مورد نظر، یافته‌های نهایی بدست آمد. به‌منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه ملاک قابل قبول بودن^۱ تأییدپذیری^۲ و قابلیت اطمینان^۳ استفاده شد که به نقل از محسن پور؛ سه مورد از مرسوم ترین شاخص‌ها از نظر گوبا و لینکن [۲۸] است. در مورد ملاک قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها،

³ Dependability

⁴ Reflective journal

¹ Acceptability

² Confirmability



شک ل ۲. معنا و مفهوم یادگیری زائد

با تحلیل مصاحبه‌ها، مشخص گردید که بخش اعظم ادراک مشارکت کنندگان از مفهوم یادگیری زائد (حدود ۷۵ درصد از کدهای استخراج شده)، به یادگیری محتوای غیر کاربردی مربوط می‌شود که در قالب زیرمضمون‌های «محتوای با اولویت پایین» و «محتوای قدیمی و تکراری» و «محتوای غیر عملی»؛ سازماندهی گردید. در ادامه نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت کنندگان آورده شده است.

زیرمضمون ۱-۲: محتوای با اولویت پایین

یادگیری محتوای کم اهمیت تر و دارای اولویت پایین تر برای فراگیر به نحوی که کاربرد خاصی برای وی نداشته باشد، می‌تواند بخشی از یادگیری‌های زائد را تشکیل دهد

"خیلی از مطالبی که ما توی آموزش و پرورش و ۱۲ سال تحصیلمون خوندم؛ از نظر بنده یادگیری زائد بوده، حالا زائد به این معنا نه که هیچی به درد نمی‌خوره؛ به این معنا که از اولویت یادگیری بسیار پایینی برخوردار بوده، مثل ریاضیاتی که ما خوندم، تاریخ ادبیات، خیلی از حفظیاتی که فقط حفظ کردیم برای امتحان بوده و توی زندگی ازش استفاده نکردیم. این‌ها می‌تونه مصداق همین یادگیری زائد باشه" (مشارکت کننده شماره ۱۲).

زیرمضمون ۲-۲: محتوای قدیمی و تکراری

به نظر می‌رسد با توجه به تغییرات سریع اطلاعات و نیازهای افراد، هر چه محتوای مطرح شده، به روزتر و از مطالب قدیمی کمتر استفاده شود، و نیز از تکرار مکررات پرهیز شود؛ ابتلا به یادگیری زائد کمتر خواهد بود. بیانات دو نفر از مشارکت کنندگان در این زمینه به شرح زیر است:

محور اول: معنا و مفهوم یادگیری زائد

مضمون اصلی ۱: درک ناکافی از اهداف یادگیری

با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، قسمتی از درک مشارکت کنندگان از مفهوم یادگیری زائد، مربوط به اهداف یادگیری و فهم نامناسب آن‌ها است که در قالب زیرمضمون‌های «مغفل ماندن هدف اصلی» و «یادگیری بی هدف و بدون فهم چرایی» سازماندهی گردید. در ادامه نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت کنندگان آورده شده است.

زیرمضمون ۱-۱: مغفل ماندن هدف اصلی و نفهمیدن چرایی

برخی از مشارکت کنندگان، مفهوم یادگیری زائد را به نپرداختن به هدف اصلی آموزشی و نفهمیدن چرایی یادگیری مرتبط می‌دانستند. به نظر می‌رسد زمانی که هدف اصلی آموزشی تبیین نشود و اهمیت و کاربرد آن بخصوص برای فراگیر بزرگسال روشن نشود، نمی‌توان انتظار یادگیری اثربخش داشت. برخی از بیانات مشارکت کنندگان به شرح زیر است: "گاهی دیده میشه در فضای کلاس درسی که یه موضوع مشخصی داره راجع به موضوعات دیگه ای صحبت میشه، اگر چه اون موضوعات مفیدن ولی جای موضوع اصلی رو نمی‌گیرن و هدف اصلی محقق نشده و مغفل مونده" (مشارکت کننده شماره ۱۸). "یادگیری زائد میتونه همون مطالبی باشه که ما یاد می‌گیریم ولی هیچگونه کاربردی ندارن و فقط فضای اضافه اشغال میکنن توی ذهن فرد و همین اشغال فضای اضافه ممکنه مخرب باشه و روند یادگیری سالم رو کند کنه. و معمولاً هم به این صورته که چرایی یادگیری اینها تبیین نشده برای فرد و این بی هدفی باعث میشه فرد حس کنه مسیری که داره با کلی زحمت طی میکنه مثل یه تردمیله براش و مقصد مشخص نیست و فقط خسته میشه" (مشارکت کننده شماره ۲۱).

مضمون اصلی ۲: یادگیری محتوای غیر کاربردی

" از نظر من یادگیری زائد یعنی اینکه عدم تناسب و ناهمزمانی نیازهای آموزشی متربی و یادگیرنده با محتواهای درسی و برنامه‌های درسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند" (مشارکت کننده شماره ۱۱). " من دانشجویی که حوزه پژوهشیم مشخصه انتظار دارم دروسی که قرار یاد بگیرم تو همون حوزه ای باشه که می‌خوام کار کنم (مورد نیازم باشه)" (مشارکت کننده شماره ۲۷).

زیرمضمون ۳-۲: رفع نکردن نیازهای جامعه

به تبع رفع نیازهای افراد، رفع نیازهای جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

" به اعتقاد من یادگیری زائد، آن نوع یادگیری است که به رفع و برطرف کردن نیاز افراد در جامعه و کشور منجر نمی‌شود و به صورت دروس نظری غیرقابل استفاده تبدیل می‌شود. غالب نظریه‌هایی که ما مطالعه می‌کنیم برگرفته از بطن جوامع غربی هستند و به رفع مشکلات جامعه آنها پرداخته‌اند و در جامعه و کشور ما کاربرد زیادی ندارند ولی می‌بینیم که در دانشگاه‌ها زیاد به تدریس آنها پرداخته می‌شود، غافل از آنکه ما کاربرد آن را در کشور خود مورد بررسی قرار نمی‌دهیم" (مشارکت کننده شماره ۲۸). " خب درک من حداقلش اینه که مهارت آموزی رو ندارم و اینکه چیز واقعا اضافه ای یاد نمی‌دن و واقعا اون چیزهایی که باید باشه خیلی کمه، یعنی منظورم اینه که اون دروسی که داریم به روزرسانی شده نیستن و مطابق با نیاز جامعه نیستن و اینکه اونطوری به درد ما نمی‌خورن و صرفا آشنایی با مطالبه، برای اینکه تو بازار کار، بتونی استفاده کنی خیلی چیزها رو واقعا باید خودت بری دنبالش" (مشارکت کننده شماره ۲۳).

پاسخ به پرسش دوم

- پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی چیست؟

برای پاسخ به پرسش دوم پژوهشی مبنی بر استخراج پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی از منظر دانشجویان این رشته و گرایش‌های مختلف آن؛ محور دوم صاحبه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پس از تحلیل، ۵ مضمون اصلی و ۱۲ زیرمضمون استخراج گردید. مضمون‌ها ناظر بر «پیامدهای شخصیتی»؛ «فرسودگی تحصیلی»؛ «اتلاف منابع»؛ «آسیب‌های اجتماعی» و پیامد مثبت «شناخت شیوه تدریس زائد» است. شکل ۳ بیانگر این مطلب است.

" آنچه که من از اصطلاح یادگیری زائد به نظرم می‌رسد، مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش قصد نشده، تکراری و بدور از فایده است که نتیجه مورد نظر یاددهنده و یادگیرنده را در بر ندارد" (مشارکت کننده شماره ۱۰). "همچنین مواردی که تکرار مکررات از کارشناسی تا دکتری است. به جای اینکه مطالب جدید، یا مطالب قدیم ولی با رویکرد جدید، یا مطالب قدیم ولی با تعمیق بخشی، به سری محتوای تکراری ارائه می‌شود" (مشارکت کننده شماره ۲۹).

زیرمضمون ۳-۲: محتوای غیر عملی

بخش عمده این مضمون از دید مشارکت کنندگان به محتوای غیر عملی و تئوری بودن آن اشاره دارد، از نظر مشارکت کنندگان؛ فارغ از مقطع تحصیلی آنها، این موضوع از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

درک من از یادگیری زائد اینه که، یعنی اون توانایی رو که می‌بایست به عنوان یک متخصص در من ایجاد بکنه، نمی‌کنه من رو به اون مهارت‌هایی که مورد نیاز خودم و جامعه ام هست مجهز نکرده و بیشتر حوزه شناختی من رو در بر گرفته. یعنی یک سری تئوری رو من بیام از بر بکنم، دو حیطه روانی حرکتی و عاطفی من رو در بر نگرفته، من بصورت عملکردی اون آموخته‌هام رو نتونستم پیاده بکنم یا نگرش من رو نسبت به اون موضوع درسی نتونسته سامان بده" (مشارکت کننده شماره ۷). "یادگیری زائد فکر میکنم یعنی تمرکز زیاد بر دروس نظری و ناکارآمد" (مشارکت کننده شماره ۵).

مضمون اصلی ۳: ناهمسویی آموزش‌ها با نیاز افراد و جامعه

بحث نیاز و رفع نیاز افراد، مساله بسیار مهمی است، از نظر برخی از مشارکت کنندگان، یادگیری زائد به معنای یادگیری است که قابلیت رفع نیازهای فرد و جامعه را نداشته باشد. این بحث در قالب دو زیر مضمون با عناوین «رفع نکردن نیازهای فرد» و «رفع نکردن نیازهای جامعه» قابل تبیین است.

زیرمضمون ۳-۱: رفع نکردن نیازهای فرد

بحث نیازهای افراد و تلاش برای رفع آنها، بدون شک از اولویت‌های بالای یادگیری است، و بخصوص اگر فرد بزرگسال باشد؛ هسته یادگیری‌های خود را بر رفع نیازها و کاربردی بودن، بنا خواهد کرد و در غیر این صورت انگیزه یادگیری از وی سلب خواهد شد.



شکل ۳. پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی

اطلاعات و دانش من بود با اون چیزی که می‌خواستم انجام بدم کاملاً متفاوت بود و این خودش باعث شد اولاً من دچار اضطراب و استرس بشم وقتی می‌خوام اون کار رو انجام بدم و خب این جدای از این اضطراب و استرس که باعث می‌شد که من اوایل کار خیلی با شکست روبرو بشم؛ بین شکسته جدای از اون استرسی که به من وارد می‌کرد، اعتماد به نفس من را هم می‌گرفت و من فکر می‌کردم که من چقدر هیچی بلد نیستم و باعث می‌شد که من خودم برم بخونم و مقاله بخونم و دوباره مطلب رو از اول یاد بگیرم و این باعث می‌شد که کار من به شدت کند پیش بره. جدای از اون اضطراب و استرس، اعتماد به نفسی که برای من پایین آمده بود و زمان اضافه ای که باید صرف می‌کردم هم بود" (مشارکت کننده شماره ۸).

زیرمضمون ۱-۲: از دست دادن روحیه پرسشگری و نقادی

بخش دیگری از پیامدها به عدم تربیت افراد دارای مهارت، روحیه پرسشگری و حل مساله، تفکر نقاد و بی تفاوت در جامعه اشاره دارد. " تنها محتوا نیست، اون روش‌های تدریس هم هست، در کنار این همه روش‌های تدریس نوینی که برای ما تو کتابها شمردن و ما داریم می‌خونیم، عملاً میان از روش‌های سنتی استفاده می‌کنن: سخنرانی و ... یعنی هیچکدوم از اینها برای من جز یک شنونده ماهر بودن چیز دیگه ای دربر نداشته، هیچ گونه روحیه پرسشگری، انتقادی، که اینها خودش زمینه درک و فهم هستش در من نوعی ایجاد نمی‌کنه" (مشارکت کننده شماره ۲۶). " اما مهمتر از آن تزریق دانش آموخته بدون مهارت، بدون تفکر نقاد و بدون دغدغه رفع نیاز کشور، به جامعه است. اینکه ما

محور دوم: پیامدهای یادگیری زائد

مضمون اصلی ۱: پیامدهای شخصیتی

با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، قسمتی از درک مشارکت کنندگان از پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی، مربوط به مواردی است که با فرد و شخصیت ارتباط دارند، این موارد در قالب زیرمضمون‌های «کاهش انگیزه و اعتماد به نفس» و «از دست دادن روحیه پرسشگری و نقادی»، سازماندهی گردید. در ادامه نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت کنندگان آورده شده است.

زیرمضمون ۱-۱: کاهش انگیزه و اعتماد به نفس

به نظر برخی از مشارکت کنندگان، یادگیری زائد موجب کاهش انگیزه برای ادامه یا پیشبرد تحصیل، کاهش انگیزه در فرزندآوری و فرزندپروری، پایین آوردن اعتماد به نفس و ایجاد استرس در انجام کارهای پژوهشی می‌شود. " یکی از پیامدهاش برای من راجع به فرزند آوری و فرزند پروری هست که احساس می‌کنم خیلی کار سختیه و واقعا نمی‌تونم از پس بچه‌ها بر بیام و از پیامدهاش این بود که احساس می‌کنم که خیلی آمده ضعیفی هستم در ارتباط با بچه‌ها. و احساس می‌کنم علوم تربیتی در این چهار سال اون راه درست رو برای هر بچه ای به نسخه واحد بپیچه رو ارایه نمیده، با این همه درسی که خوندم راجع به رشد و کودک و تعلیم و تربیت" (مشارکت کننده شماره ۴). " برای درس روش تحقیق به پیامدش این بود که خب من وقتی شروع کردم به مقاله بنویسم اولاً خیلی شوکه شدم؛ چون اون چیزی که

مهمترین پیامدش همین می‌تونه باشه" (مشارکت کننده شماره ۱۳).

زیرمضمون ۲-۳: ناکارآمدی تحصیلی

به نظر می‌رسد ناکارآمدی تحصیلی مولفه‌های مختلفی را شامل شود، برخی از آنها ممکن است؛ خروجی نامطلوب سیستم آموزشی، عدم پرورش افراد دارای مهارت در حوزه عملی، ضعف دانشجویان در انجام فرآیند پایان نامه، عدم امکان تبدیل توانایی‌های بالقوه به بالفعل و مواردی از این قبیل باشد. برخی از بیانات مشارکت کنندگان به شرح زیر است؛

" یکی از اونها اینه که خروجی اون سیستم آموزشی قطعاً خروجی خوبی نخواهد بود، یعنی دانشجویی که باید بره آمار و اینها یاد بگیره (مشارکت کننده دانشجوی رشته تحقیقات آموزشی است)؛ میاد میره روانشناسی تربیتی یاد می‌گیره و خروجیش میشه یه دانشجویی که شاید نتونه توی جامعه زیاد به درد بخوره. و مهمترینش اینه که شما وقتی که یه سری کتاب بیهوده میذارن توی برنامه درسیت، طبیعیه که غافل میشی از اون کتابای اصلی، در واقع این کتاب اومده جای یه سری کتاب اصلی رو که باید می‌بود رو گرفته و این خیلی بده" (مشارکت کننده شماره ۲۰). " یک پیامد مهمش اینه که تو پایان نامه خیلی به مشکل خوردم. من خودم رفتم یاد گرفتم. من نمی‌دونستم که الان دارم درست انجام میدم یا درست انجام نمیدم و هی باید از این و اون پرسش می‌پرسیدم و خب جواب‌های درست به من نمی‌دادند و خیلی طول کشید و کار من را از عقب انداخت در پایان نامه" (مشارکت کننده شماره ۸).

مضمون اصلی ۳: ائتلاف منابع

از مهمترین پیامدهای یادگیری زائد، ائتلاف منابع بسیار حیاتی هزینه و زمان است. بحث هزینه هم برای شخص یادگیرنده و هم برای سازمان آموزش دهنده مطرح است و بحث زمان از دست رفته نیز در تدریس مباحث و برنامه‌های درسی زائد، و زمان اضافه‌ای که فرد بعداً باید به یادگیری اثربخش اختصاص دهد، مطرح شده است.

زیرمضمون ۳-۱: زمان

اهمیت زمان غیر قابل چشم پوشی است. زمان از دست رفته در کسب برنامه درسی زائد و اینکه در همان زمان امکان پرداختن به واحدها و مباحث کاربردی‌تر وجود داشت؛ حال آنکه بعد از مدتی، مجدداً فراگیر می‌بایست زمانی را به یادگیری مجدد مفاهیم مورد نیاز

جامعه‌ای را می‌سازیم که در آن حل مسائل، کوچکترین اهمیتی ندارد و رفته رفته به پدیده بی‌تفاوتی و عملکرد فردمحور افراد دامن می‌زند" (مشارکت کننده شماره ۲۸).

مضمون اصلی ۲: فرسودگی تحصیلی

نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، در موارد متعددی درک مشارکت کنندگان از پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی را مربوط به مولفه‌های فرسودگی تحصیلی که به عنوان زیرمضمون‌های «خستگی تحصیلی»، «کاهش علاقه به تحصیل» و «ناکارآمدی تحصیلی»؛ در نظر گرفته شده اند، نشان می‌داد. در ادامه نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت کنندگان در این باره آورده شده است.

زیرمضمون ۲-۱: خستگی تحصیلی

" یکی دیگه اینکه من به این موضوع فکر می‌کردم که اینجا دانشگاه تهران و من دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتیم، در صورتی که می‌تونستم رشته‌های دیگه هم بخونم یعنی از جهت رتبه مشکلی نداشتم، اولویت اولم علوم تربیتی بود، یه ذره تو ذوقم می‌خورد خصوصاً ترم‌های اول که الان این چه محتوایی که استاد داره می‌گه، مثلاً یه درس داشتیم؛ تعلیم و تربیت اسلامی، فکر می‌کنم محتوایی که استاد داشت می‌گفت حتی اگر من دوم راهنمایی بودم به دردم نمی‌خورد. و دلیلش نحوه ارائه محتوا بود بیشتر. خب از این مصداق می‌خواستیم به این برسیم که یه مقدار حس سرخوردگی داشتیم که این چه وضعیتی واقعا. اما همین موضوع تکرار می‌شد من شخصا به این نکته رسیدم که چیکار کنیم این مشکل رو حل کنیم، یعنی از مشکل به مساله رسیدن و از مساله به حل مساله رسیدن برای من بعضی از ساحاتش اتفاق افتاد" (مشارکت کننده شماره ۱۸).

زیرمضمون ۲-۲: کاهش علاقه به تحصیل

برخی از مشارکت کنندگان، از دست دادن انگیزه و علاقه به درس، تحصیل و مسابله آموزشی را، از پیامدهای دیگر یادگیری زائد می‌دانستند. " باعث بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی به رشته میشه حالا مخصوصاً دانشجویان ترم پایین تر، هر چه این یادگیری رو بیشتر مشاهده کنن، دلسردیشون بیشتر میشه از رشته‌ای که انتخاب کردن علی‌رغم اینکه خیلی هم بهش علاقه دارن دچار شک و تردید میشن" (مشارکت کننده شماره ۱۸). " مهمترین موردی که پیامدش هست، عدم پیشرفت و آداپته شدن دانشجو هست؛ یعنی به نظرم یه اصطکاک و نقطه مقاومتی در مقابل یادگیری‌ها ایجاد می‌کنه، چون که وقتی بی‌انگیزگی و بی‌رقمی تو دانشجو بوجود میاره و مباحث بی‌ارزش میشن، تمایل به یادگیری مباحث جدید هم به همون نسبت تو دانشجو کم میشه و ذوق آموزش و یادگیری توش کاهش پیدا می‌کنه که به نظرم

زیرمضمون ۴-۱: آسیب‌های محیط کار

برخی از آسیب‌های محیط کار را می‌توان به چالش‌های پیش آمده برای افراد تازه استخدام شده و همچنین درآمد پایینی که شاغلین این رشته در آینده ممکن است کسب کنند دانست. "آدم با یه سری چالش‌هایی روبه رو می‌شد که خب باید جوابشو تو دانشگاه می‌گرفت، من اینطور فکر می‌کنم به عنوان رشته علوم تربیتی، فرد باید با چالش‌هایی که یه معلم تازه استخدام یه جایی پیدا کنه رو به رو بشه؛ باید این چالش‌ها از قبل براش پیش بینی می‌شد، یه راهکاری بهش داده می‌شد و به نظرم این پیامدها رو داشت که من منبع معتبر علمی نداشتم که خودم بتونم بدونم به تنهایی چطور این چالش‌ها رو حل کنم، حتما باید از یکی می‌پرسیدم یا تو اون مدرسه چون افراد با تجربه تری بودن یا اینکه از یه سری اساتید کمک می‌گرفتم یا خودم می‌شستم یه منبع اضافه تری رو می‌خوندم" (مشارکت کننده شماره ۳). "درآمد خیلی کمی که شما بعد از فارغ التحصیلی میرید توی محیط‌هایی که مربوط به رشته‌تون کار می‌کنید، یکی از پیامدهای مخرب تحصیل تو این رشته‌س. الان من توی حوزه ای دارم فعالیت می‌کنم که خیلی با رشته‌م فاصله داره" (مشارکت کننده شماره ۴).

زیرمضمون ۴-۲: آسیب‌های تربیتی

منظور از آسیب‌های تربیتی؛ آسیب‌هایی است که فارغ التحصیلان رشته علوم تربیتی به عنوان معلم، ممکن است بر اثر یادگیری زائد کسب شده، به فراگیران خود انتقال دهند و نیز برای موسسات آموزشی مانده دانشگاه‌ها، این است که از رسالت خود که پرورش مناسب دانشجویان است فاصله بگیرند. برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

"و پیامدها توی لول‌های دیگه هم میتونه اون اطلاعات ناکارآمد باشه که ما تو حیطه‌ی واقعی به‌کار بگیریم و به عمل تربیتی مون و کودک آسیب بزنه که خب خیلی بار سنگین تری داره" (مشارکت کننده شماره ۲۱). "جدی ترین پیامدهای یادگیری زائد برای من بیزاری از دانشگاه و اساتید و هر آنچه که مربوط به آن است. همچنین دور شدن دانشگاه از رسالت خود که همانا پرورش دانشجو است از پیامدهای آن است" (مشارکت کننده شماره ۱۰).

مضمون اصلی ۵: شناخت شیوه تدریس زائد

یکی از مشارکت‌کنندگان به یک پیامد مثبت یادگیری و برنامه‌های درسی زائد اشاره کرد، آن هم با توجه به اینکه فرد، خود، محتوا و شیوه‌های تدریس ناکارآمد را در کلاس درس و در جایگاه فراگیر تجربه کرده و بعدا خود فرد در

خود اختصاص دهد. بیانات مشارکت‌کنندگان در این راستا به شرح زیر است:

"مهمترین پیامدش اینه که زمان و هزینه من هدر رفت. در واقع اون بحثی که توی اقتصاد داریم، فرصت‌های از دست رفته، اگه به جای شرکت تو اون کلاس کار دیگه ای داشتم، شاید درآمدی داشتم یا اون زمانی که هدر دادم برای چیز دیگه‌ای بود بهتر بود، یعنی زمان و هزینه که به شکل مستقیم و غیر مستقیم هدر رفته" (مشارکت کننده شماره ۹). "خب من با یه محتوای روبه رو می‌شدم که از من زمانی می‌گرفت و برام کاربردی نبود، نه از جهت نظری و نه عملی. یکی از پیامدها اینه که، اون وقتی که ازم می‌گرفت باعث می‌شد که به کارهای مفید (درس‌های مفید دیگه) دیگم نتونم برسم و این حس بدی داشت" (مشارکت کننده شماره ۱۸).

زیرمضمون ۳-۲: هزینه

بحث هزینه شامل هزینه‌های از دست رفته ای که موسسات آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها و ...) صرف می‌کنند و همچنین هزینه ای که یادگیرنده صرف می‌کند؛ هم در حین یادگیری برنامه درسی زائد و هم بعدا که می‌بایست هزینه‌ای را مجدداً برای کسب یادگیری اثر بخش متقبل شود. برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان به شرح زیر است:

"مهمترین پیامدی که در مورد یادگیری زائد اتفاق می‌افتد اتلاف منابع است. حداقل این اتلاف منابع بصورت فیزیکی شامل ساختمان، هزینه آب و برق و ...، حقوق و حق الزحمه اساتید، کارمندان در یک واحد آموزشی است" (مشارکت کننده شماره ۲۸). "مهمترینش تلف کردن سرمایه‌های عمری و مالی و مادی جامعه است. طرف میره بیست و چند سال درس می‌خونه، وقتی میاد بیرون نه چیزی بلد هست، نه برای اون تخصصش کاری وجود داره یا اگر باشه با اون تخصص هم‌خونی نداره چون الان دنیای کار خیلی متحول شده با اون دروس قدیمی و منسوخ‌ی که اون خونده دیگه هم‌خونی نداره" (مشارکت کننده شماره ۲۶).

مضمون اصلی ۴: آسیب‌های اجتماعی

بخش دیگری از پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی، به آسیب‌های اجتماعی حاصل از آن اشاره دارد. این مضمون در قالب دو زیرمضمون؛ «آسیب‌های محیط کار» و «آسیب‌های تربیتی» سازماندهی گردید. در ادامه برخی از بیانات مشارکت‌کنندگان آورده شده است.

بحث نظام تعلیم و تربیت، هم توی نشست‌های مختلف، اینها همه باعث می‌شد توی بحث حل این مساله رشد فکری کنم که این می‌تونه به پیامد مثبت باشه ولی اون سرخوردگیه پیامد منفیه" (مشارکت کننده شماره ۱۸)

در پژوهش حاضر، علاوه بر پی بردن به ادراک دانشجویان از معنا و مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن در رشته علوم تربیتی، یادگیری زائد در دروس مختلف و علت زائد بودن این یادگیری‌ها نیز از دید دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی، بررسی و تبیین گردید. جدول شماره ۱ گویای این مطلب است.

کسوت معلمی آگاهی و شناخت کافی را در زمینه محتوا و شیوه تدریس مطلوب یا نامطلوب در مبحثی یا مقطعی خاص تشخیص می‌دهد. در زیر مضمون ۵-۱ به بیانات این مشارکت کننده پرداخته شده است.

زیرمضمون ۵-۱: شناخت نقاط ضعف فردی در تدریس

"یعنی بعضی اوقات حتی خودم که داشتم پاره وقت تدریس می‌کردم با افراد مختلف، حالا چه تدریس خصوصی چه کلاسی، این باعث شد که من حواسم بیشتر باشه که اون نقاط ضعف رو تو کارم نداشته باشم و به صورت کلی هم تو

جدول ۱. خلاصه یادگیری زائد دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی در دروس مختلف و علت زائد بودن از دید آن‌ها

ردیف	یادگیری زائد دانشجویان در دروس مختلف	علت زائد بودن
۱	(روش تدریس علوم اجتماعی، ریاضی، تجربی و هنر (د. تخصصی))	تعداد واحدهای کم - کمبود وقت برای ارایه مناسب
۲	(آرای تربیتی اندیشمندان مسلمان - تعلیم و تربیت اسلامی - آموزه‌های تربیتی آیات قرآن - خانواده در اسلام) (د. پایه)	ارایه دروس توسط اساتید غیر متخصص - نحوه تدریس نامناسب و بدون در نظر گرفتن ارتباط دروس با یکدیگر - وجود محدودیت زمانی برای تبیین و پاسخگویی به سوالات چالش برانگیز دانشجویان در این نوع دروس، در کلاس درس.
۳	مشاوره تحصیلی و شغلی (د. اصلی)	تدریس نامناسب استاد
۴	(مبانی و اصول مدیریت آموزشی - مدیریت عمومی - تدوین و نگارش متون و گزارش‌های علمی - سازمانها و قوانین آموزش و پرورش (د. اصلی)) - سیر تحول تعلیم و تربیت (د. پایه)	عدم علاقه و انگیزه و احساس عدم تعلق به رشته علوم تربیتی و علی الخصوص به دروس مدیریت آموزشی و پراکندگی مطالب آنها - عدم به روز بودن مدرس نیز سبب زائد بودن این دروس برای فرد در رشته علوم تربیتی با گرایش دبستان - پیش دبستان - تکراری بودن و ماهیت یکسان آنها
۵	منطق (د. اصلی)	تدریس نامناسب استاد - ناتوانی اساتید در تبیین اهمیت، ضرورت و کاربرد درس
۶	روانشناسی سلامت (د. اصلی)	عدم تناسب کاربردی محتوا با عنوان واحد درسی
۷	آمار توصیفی - آمار استنباطی (د. اصلی)	ارایه نامناسب مطالب توسط استاد - تخصیص ندادن تکالیف مناسب و بیشتر به دانشجویان
۸	متون تخصصی علوم تربیتی (د. تخصصی)	تدریس نامناسب استاد
۹	روش تدریس فارسی و آموزش کودکان دو زبانه (د. تخصصی)	شیوه تدریس استاد
۱۰	روش تدریس ریاضیات (د. تخصصی)	تدریس نامناسب استاد
۱۱	مبانی و اصول برنامه ریزی درسی (د. اصلی) - برنامه ریزی درسی دوره‌های تحصیلی پیش دبستان_ دبستان (د. تخصصی)	تشابه این دو واحد درسی - عدم تبیین اهمیت و ضرورت آنها
۱۲	(روانشناسی عمومی - روانشناسی تربیتی - روانشناسی رشد - روانشناسی سلامت (د. اصلی))	تفاوت‌های جزئی و محتوای مشابه - عدم وجود رویکرد عملی در ارایه این دروس
۱۳	(سیر تحول تعلیم و تربیت - جامعه شناسی آموزش و پرورش - مبانی و اصول تعلیم و تربیت - مکتب‌های فلسفی و نظریه‌های تربیتی - خانواده در اسلام (د. پایه))	ساده و ابتدایی بودن شیوه تدریس استاد - عدم بیان کردن دروس نظری بصورت چالش برانگیز و حفظ پویایی کلاس

محتوای مشابه و عدم تفاوت بین آنها	(مبانی و اصول برنامه ریزی آموزشی - مبانی و اصول برنامه ریزی درسی (د. اصلی))	۱۴
انجام ندادن حداقل یک مقاله و بیان شدن مطالب صرفاً به صورت شفاهی - به علاوه استفاده از دو استاد با دیدگاه‌های متفاوت، برای این درس در یک ترم.	مقدمات روش‌های تحقیق کمی و کیفی (د. اصلی)	۱۵
عدم رعایت پیش نیاز در ترم قبلی و ارایه شدن دو درس در یک ترم تحصیلی و نبود زمان کافی برای تسلط بر هر دو درس - وجود ناکافی اساتید متخصص در زمینه آموزش تولید محتوای الکترونیکی	(طراحی آموزشی - تولید محتوای الکترونیکی (د. اصلی))	۱۶
وجود شرایط نامساعد فعلی (بیماری کرونا) و عدم دسترسی به اساتید	پروژه کارشناسی (د. اصلی)	۱۷

طبق بیانات مشارکت کنندگان؛ شامل محتوایی با اولویت آموزشی پایین، محتوای تکراری و قدیمی و یا محتوای غیر عملی دانست. در مورد محتوا نیز غالباً بحث عملیاتی شدن آن و خارج شدن از مباحث تئوری، مد نظر است. محتوای با اولویت پایین یا قدیمی از لحاظ عملی نبودن در زندگی و یا تحصیل فرد بیان شده است، مبرهن است برای دانشجویانی که نسبتاً بزرگسال محسوب می‌شوند، عملیاتی و کاربردی بودن محتوایی که یاد می‌گیرند، برای حفظ توجه و انگیزه آنان برای ادامه یادگیری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. همچنین با توجه به تغییرات سریع جامعه و دنیای اطلاعات، محتوایی که تکراری و منسوخ باشد، به علت ناکارآمدی، جذابیت آنچنانی برای فراگیر نخواهد داشت؛ البته لازم به ذکر است که نامتناسب بودن سطوح توانمندی دانشجویان در کلاس درس نیز در شکل‌گیری تکراری بودن مباحث اثرگذار است؛ چرا که استاد مجاب می‌شود سطح کلاس و محتوا را از سطح مقدماتی‌تر شروع کند تا دانشجویان سطح متوسط و پایین تر، خود را با روند کلاس هماهنگ سازند.

رکن سوم بحث آموزش است؛ در واقع از نظر برخی از مشارکت کنندگان، یادگیری که توانایی رفع نیازهای فرد و جامعه را نداشته باشد زائد است. در این باره نتایج با بیانات کرک پاتریک و کرک پاتریک همسو است که اذعان می‌کنند؛ برنامه‌های آموزشی باید با نیازهای شغلی فراگیران در جهت با ارزش دانستن آنها تطابق داشته باشد در غیر اینصورت فراگیران انگیزه لازم را برای یادگیری و انتقال آن به محیط

هدف پژوهش حاضر، پی بردن به ادراک دانشجویان از مفهوم یادگیری زائد و پیامدهای آن در رشته علوم تربیتی است. در این راستا دو پرسش پژوهشی مطرح گردید؛ (۱) از منظر دانشجویان رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران، یادگیری زائد، چه معنا و مفهومی دارد؟ و (۲) پیامدهای یادگیری زائد در رشته علوم تربیتی چیست؟ در طول پژوهش تلاش شد به پرسش‌های فوق پاسخ داده شود. به همین منظور با ۲۹ نفر از دانشجویان مصاحبه به عمل آمد و نتایج تحلیل مصاحبه‌ها منتج به استخراج ۸ مضمون و ۱۶ زیر مضمون (۳ مضمون و ۶ زیرمضمون برای پرسش اول و ۵ مضمون و ۱۰ زیرمضمون برای پرسش دوم) شد.

در حالت کلی می‌توان گفت، معنا و مفهوم یادگیری زائد از نظر برخی از مشارکت کنندگان؛ بر سه رکن اساسی؛ اهداف، محتوا و آموزش، استوار است. رکن اول؛ مربوط به درک ناکافی از اهداف یادگیری، مغفول ماندن آنها و همچنین نپرداختن به بحث چرایی و اهمیت هدف مورد نظر است. طبیعتاً هنگامی که هدف آموزشی مطرح نگردد یا به درستی تبیین نشود و اهمیت و کاربرد آن به فراگیران گوشزد نشود، انگیزه و تمایل آنان را برای یادگیری کاهش می‌دهد و یادگیری هم اگر صورت گیرد زائد خواهد شد.

رکن دوم معنای یادگیری زائد به محتوا اشاره دارد؛ لازم به ذکر است که بخش اعظم نظرات مشارکت کنندگان شامل همین مورد بود. هنگامی که محتوای غیر کاربردی به فراگیران ارایه می‌شود به نظر می‌رسد نباید انتظار یادگیری اثربخش را از آنان داشت؛ می‌توان محتوای غیر کاربردی را

^۱ در کشورهای توسعه یافته، سن ۲۴ سال را سن مبانی آموزش بزرگسالان تعبیر کرده اند (صباغیان و همکاران، ۱۳۹۵).

آموزان با ویژگی‌های شخصیتی مختلف؛ غیر کاربردی بوده و از نظر وی بسیار سخت و برای هر فرد متفاوت است، لذا از پیاده سازی آن موارد در زندگی شخصی خود نا امید و بی انگیزه شده است. این بخش از نتایج با نتایج پژوهش صفایی موحد و طرخان که پیامدهای یادگیری زائد را کاهش انگیزه و احساس رضایت و کاهش یادگیری اثر بخش می دانستند، و همچنین با یکی از پیامدهای بدست آمده در پژوهش ایروانی تحت عنوان آسیب‌های فردی برنامه درسی زائد، همسویی نسبی دارد [۳۱، ۳۲].

از پیامدهای منفی دیگر فرسودگی تحصیلی است. فرسودگی تحصیلی شامل سه مولفه‌ی خستگی تحصیلی، کاهش علاقه به تحصیل و ناکارآمدی تحصیلی است که در این پژوهش نیز به عنوان زیرمضمون معرفی گردیدند. بسیاری از مشارکت کنندگان، پیامد عمده یادگیری زائد را بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی نسبت به تحصیل و آموزش، خسته شدن از تکالیف زیاد محوله در برخی از دروس و به تبع اینها ناکارآمدی و احساس عدم شایستگی که پس از تحصیل در مقطع یا دوره ای خاص گریبان گیر فرد می‌شود، می‌دانستند. خستگی که از نشانه‌های بارز فرسودگی تحصیلی است، باعث می‌شود فرد از لحاظ هیجانی و شناختی از محیط تحصیلی خود فاصله بگیرد. بی‌علاقگی نیز باعث ایجاد نگرش منفی، احساس نامناسب بودن و نهایتاً سبب پیدایش شکاف بین دانشجو و دانشگاه می‌شود. و نهایتاً ناکارآمدی تحصیلی نیز باعث احساس عدم موفقیت، نداشتن ظرفیت و ضعف تحصیلی در فرد می‌شود. این بخش از پیامدها با پیامدهای معرفی شده توسط متاکس و کینگ که کاهش انگیزه و کاهش یادگیری اثر بخش است، همسویی نسبی دارد [۱۳، ۱۶].

پیامد مهم بعدی، اتلاف منابع است. دو منبع مهم هزینه و زمان را شامل می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق مشارکت کنندگان بدان‌ها اشاره کردند. بحث هزینه هم برای سازمان آموزش دهنده و هم برای فرد فراگیر مطرح است. هزینه برای سازمان آموزشی یا دانشگاه‌ها و مدارس، شامل هزینه‌هایی است که در قبال تدریس برنامه‌های درسی زائد پرداخت می‌شود، که به دلیل ناکارآمد بودن فرد، بعداً باید مجدداً برای یادگیری مفید، هزینه پرداخت کند و دانشگاه نیز بودجه وامکاناتی را هدر داده است که امکان بکارگیری آن در موقعیت‌ها و موارد مفید دیگری وجود داشت. این هزینه‌ها می‌تواند شامل: هزینه‌های ساختمان، مکان آموزشی، آب،

کار نخواهند داشت [۲۹]. بحث نیاز افراد از مباحث بسیار مهمی است که لازم است در برنامه‌های درسی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به نظر می‌رسد یادگیری آموزش‌هایی که آگاهانه و به همراه نیازسنجی طرح و تدوین شوند و در طی آن، نیازهای افراد و جامعه یا بازار کار در نظر گرفته شود؛ می‌تواند به یادگیری اثربخش تبدیل گردد و از زائد شدن خارج شود.

در این باره معنای یادگیری زائد با تعریف متاکس و خانا همسویی دارد؛ ایشان بیان می‌کنند؛ آموزشی که بیشتر آن غیر قابل استفاده و غیر کاربردی می‌ماند و یا اینکه در شغل به کار گرفته نشود یادگیری زائد محسوب می‌شود [۸، ۹، ۱۱، ۱۲]. همچنین در مورد تناسب اهداف، تبیین و بیان اهمیت آنها و نیز توجه به نیازهای افراد و جامعه (بازار کار)، نتایج مجدداً با تعریف انگلستون و خانا همسویی دارد؛ چرا که از نظر ایشان یکی از تعاریف یادگیری زائد؛ عدم تناسب محتوا با اهداف و نیاز بازار کار است [۹، ۱۲]. در این راستا نتایج با تعریف حسینی لرگانی و همکاران که یادگیری زائد را درس‌های غیر کاربردی، محتوای نامتناسب و برنامه درسی ناکارآمد تعریف کرده اند، همسو است [۳۰].

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، مشارکت کنندگان موارد مختلفی را در باب پیامدهای یادگیری زائد بیان نمودند. در مورد پیامدهای شخصیتی در مجموع حول دو زیرمضمون «از دست دادن روحیه پرسشگری و نقادی» و «کاهش انگیزه و اعتماد به نفس» به بیان نظراتشان پرداختند. آنها خاطر نشان کردند یادگیری زائد موجب تربیت افرادی می‌شود که فاقد مهارت‌های پرسشگری و نقادی بوده و نسبت به مسایل جامعه بی تفاوت هستند به این دلیل که مطالب مفید و اثر بخشی به ایشان ارایه نشده و تمایل به پرسشگری، علاقه و پیگیری مطالب را از ایشان سلب کرده است. به نظر برخی دیگر از مشارکت کنندگان یادگیری زائد منجر به کاهش انگیزه برای ادامه تحصیل، پایین آوردن اعتماد به نفس افراد در انجام تکالیف محوله و کارهای پژوهشی می‌شود. به عنوان نمونه در پیشبرد فرآیند پایان نامه دانشجویان را دچار مشکل و سردرگمی می‌کند و زمان بسیاری را از آنان خواهد گرفته و استرس انجام آن نیز افزایش می‌یابد. همچنین یکی از مشارکت کنندگان پیامد یادگیری زائد را موجب کاهش انگیزه در فرزند آوری و فرزند پروری در وی می‌دانست؛ به این علت که امور تربیتی که او آنها را در کارورزی و در طول تحصیل لمس کرده، در فضای واقعی و در برخورد با دانش

جامعه و شرایط کشور نیز در این زمینه بی‌تاثیر نیست، ولی اگر فراگیران بتوانند از ظرفیت‌های خود به خوبی استفاده کنند و خلاقیت خود را به کار گرفته و سعی خود را در یادگیری اثربخش مطالب به خرج دهند؛ انتظار می‌رود به درآمدهای بالاتری نیز دست یابند.

منظور از آسیب‌های تربیتی طبق بیانات مشارکت کنندگان، آسیب‌هایی است که فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی به عنوان معلم، ممکن است بر اثر یادگیری زائد کسب شده، به فراگیران خود انتقال دهند و همچنین آسیب تربیتی برای موسسات آموزشی مانند دانشگاه‌ها این است که از رسالت خود که همانا پرورش مناسب دانشجویان است فاصله بگیرند. به عنوان نمونه فرد معلمی که خود یادگیری‌های زائدی داشته است و اکنون به عنوان معلم قرار است دانش‌آموزانی تربیت کند؛ تا حدودی این احتمال وجود دارد که اطلاعات نادرست خود را به فراگیران انتقال داده و عمل تربیتی مناسب و درخوری انجام ندهد و توانایی ایجاد انگیزه و اشتیاق و انتقال مطالب درست را به فراگیر نداشته باشد و حتی فراگیر را از ادامه تحصیل باز دارد. آسیب تربیتی مربوط به دانشگاه یا موسسات آموزشی نیز به این صورت است که افزایش واحدها و برنامه‌های درسی زائد منجر به فراگیر شدن یادگیری زائد شده و برای دانشگاه به عنوان مصدر دانشجویان کارآمد و مفید به جامعه؛ منتج به برون‌دادهای ضعیف شده و افرادی فارغ‌التحصیل می‌شوند که کارآمدی و مطلوبیت لازم را برای مسؤلیت‌پذیری در جامعه نخواهند داشت.

تنها پیامد مثبت یادگیری زائد «شناخت شیوه تدریس زائد» است. به نظر یکی از مشارکت کنندگان، در صورتی که شخص، خود محتوا و شیوه‌های تدریس ناکارآمد را در جایگاه فراگیر و در کلاس درس تجربه کرده باشد؛ بعداً خود شخص در کسوت معلمی، قادر به تشخیص نقاط قوت و ضعف تدریس فلان مبحث یا دوره خاص است و شناخت کافی را راجع به محتوا و شیوه تدریس مطلوب یا نامطلوب در مبحث یا مقطعی خاص کسب کرده است؛ پس سعی می‌کند در تدریس خود به عنوان معلم، از آن پرهیز کند. این مورد از پیامدها با هیچ پیامدی از پژوهش‌های پیشین همسو نیست و به نظر می‌رسد تنها برای شخص مشارکت کننده اتفاق افتاده و مورد خاصی است.

در نهایت، یادگیری‌های زائد در برخی دروس و علت زائد بودن این یادگیری‌ها از دید دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی بیان گردید که به طور خلاصه در بخش یافته‌ها در

برق، وسایل کمک آموزشی، حق الزحمه اساتید و هزینه‌های جانبی دیگر باشد. بحث مهم دیگر زمان است، اهمیت زمان برکسی پوشیده نیست. برنامه‌های درسی زائد که به تبع آنها یادگیری زائد اتفاق می‌افتد، بنا به نظر اکثریت مشارکت کنندگان موجب اتلاف زمان می‌شوند، به این صورت که عمر انسان در مسایلی تلف می‌شود که کارآمدی خاصی برای وی ندارند، و علاوه بر احساس شکست برای فرد، او را مجاب می‌کند برای یادگیری مطالب مورد نیاز خویش، مجدداً زمان و هزینه‌ای را اختصاص داده تا به یادگیری مطلوب برسد. اتلاف زمان به دو گونه است؛ نوع اول آن، همان ایجاب اختصاص زمان مجدد و دوباره کاری برای فرد است و نوع دوم زمانی است که در حین یادگیری مطالب زائد، بیهوده از دست می‌رود در حالیکه با شناسایی آن مطالب زائد و استفاده صحیح از زمان اختصاص داده شده به آنها، امکان بهره‌وری از مطالب مفید و کارآمدتر در زندگی فرد فراهم می‌شد. این بخش از نتایج، با بخشی از پیامدهای حاصل از پژوهش متاکس که از دست دادن پول و زمان است و همچنین با پیامدهای آسیب اقتصادی و آسیب آموزشی از پژوهش ایروانی همسویی کامل دارد [۱۴، ۳۲].

آخرین پیامد منفی یادگیری زائد، آسیب‌های اجتماعی حاصل از آن است. براساس مصاحبه‌های مشارکت کنندگان، آسیب‌های اجتماعی در دو زیرمضمون «آسیب‌های محیط کار» و «آسیب‌های تربیتی» دسته‌بندی گردید.

آسیب‌های محیط کار، بیشتر مربوط به چالش‌های پیش آمده برای افراد تازه استخدام شده در محیط کار و درآمد پایین مشاغل مربوط به رشته علوم تربیتی است. چالش‌هایی که فرد در محیط کار با آنها رو به رو می‌شود؛ می‌بایست قبلاً و در دوران تحصیل بدان‌ها پاسخ داده می‌شد و مورد بررسی قرار می‌گرفتند، که متأسفانه به دلیل وجود برنامه درسی زائد به چنین مواردی پرداخته نشده است. مثلاً برای شغل معلمی، می‌بایست افراد مجربی به کلاس دعوت می‌شدند و از تجربیات، چالش‌ها، پستی‌ها و بلندی‌های این رشته و محیط کاری آن به دانشجویان اطلاعات کاربردی انتقال داده می‌شد یا اینکه دانشجویان به بازدید از سازمان‌ها و محیط‌های کاری آینده رشته خود، برده می‌شدند تا از نزدیک با محیط کاری خود و چالش‌های آن آشنا شوند. همچنین از نظر برخی از مشارکت کنندگان، پس از ورود به محیط کار، معمولاً فارغ‌التحصیلان علوم تربیتی درآمد پایینی دارند که این مورد را نمی‌توان صرفاً به یادگیری زائد ربط داد چرا که

✓ پیشنهاد می‌شود در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکترا، میزان همپوشانی و تکراری بودن دروس، بخصوص در ترم‌های اولیه (نظری) بررسی شود، چرا که به عنوان یکی از دلایل یادگیری‌زائد در برخی دروس برشمرده شده است.

منابع

1- E. The moderating role Z, Gurel 1- Ilhan Ertuna of higher education on entrepreneurship. Education+ training 2011; 53: 387-402.

۲- بازرگان، عباس. "ارزیابی درون دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۳۷۴، سال سوم، ۴(۳): ۷۰-۴۹.

۳- نوروز زاده، رضا و همکاران. "وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی آموزش برنامه-ریزی". فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۵، ۱۲(۴): ۸۸-۷۱.

۴- قادری، حیدر؛ شکاری، عباس. "ارزیابی کیفیت برنامه درسی گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان". پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۳۹۳، ۲(۱۴): ۱۶۲-۱۴۷.

5- Flinders DJ. Noddings, Nel & Thornton, Stephen J. The Null Curriculum: Its Theoretical Basis and Practical Implications. Published by Blackwell Publishing on Behalf of the Ontario Institute for Studies in Education / University of Toronto 2012.

۶- صادقی، عباس؛ انوری، صدور. "نقش دانشگاه و پژوهش دانشگاهی در فرآیند توسعه". مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار (جلد اول)، ۱۳۸۳: ۱۹۸-۱۷۳.

۷- حسینی لرگانی، سیده مریم؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه؛ زرافشانی، کیومرث. "طراحی الگوی سنجش برنامه درسی زائد در نظام آموزش عالی ایران". فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳۹۳، ۸(۲۷): ۱۷۴-۱۴۹.

8- Mattox JR. Manager engagement: reducing scrap leaning. Training Industry Quarterly, fall 2010 / A Training Industry, Inc. ezine / www.trainingindustry.com / TIQ.

9- Khanna N. How to find the RoI of your Next Training Initiative? 2013; www.24x7learning. Com.

۱۰- فتحی واجارگاه، کوروش. سخن سردبیر، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۳۸۹.

11- Pascale C. Competency Development Best Practice: Learn the Five Best Practice to Develop

جدول شماره ۱ آورده شد؛ در مجموع می‌توان اظهار داشت علت زائد بودن یادگیری‌ها در برخی از دروس؛ غالباً به بحث تدریس تئوری و غیر عملی واحدها و همسو و متناسب ساختن آن‌ها با نیازها و علایق دانشجویان، مرتبط است.

طبق نظر اکثر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، علاقه، انگیزه و احساس نیاز، از سائق‌های مهم انسانی در فرآیند یاددهی و یادگیری هستند. با مروری بر تحقیقات انجام شده در مورد انگیزش در آموزش و پرورش به راحتی می‌توان به اهمیت علاقه فراگیران و نقش آن در یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها پی برد [۳۴]. ایجاد انگیزش موجب بالا رفتن کارایی شده و سبب می‌شود که فرد استعداد و توانایی خود را در سطح بالاتر و با رضایت بیشتری به کار بگیرد [۳۵، ۳۶]. انگیزه و علاقه نقش عمده‌ای در جریان یادگیری بازی می‌کنند و معمولاً افراد اموری را مورد توجه قرار می‌دهند که مورد علاقه آنها باشد [۳۷، ۳۸]. در مورد نیاز؛ می‌توان ادعا نمود وقتی احساس نیاز به یادگیری قوی باشد، شیوه آموزش اهمیت چندانی ندارد؛ هر چند که بسیاری از مشارکت‌کنندگان در بیانات خود روش‌های تدریس اساتید را در یادگیری زائد موثر می‌دانستند ولی در صورت وجود انگیزه-های قوی برای یادگیری؛ حتی روش‌هایی با کارایی پایین هم به طور مؤثر موفقیت را تضمین می‌کنند [۳۹].

با استناد به نتایج این پژوهش و اهمیتی که بحث برنامه‌های درسی زائد و به تبع آن، یادگیری‌های زائد دارد و به منظور کاهش این یادگیری‌ها و تقویت یادگیری اثربخش؛ پیشنهادات کاربردی زیر مطرح می‌گردند.

✓ با توجه به اینکه نتایج نشان داد یکی از تاکیدات مشارکت‌کنندگان بر این بود که یادگیری‌هایی که در زندگی و محل کار برای فرد کاربردی ندارد، به نوعی یادگیری زائد تلقی می‌شوند؛ لذا پیشنهاد می‌شود نیازهای بازار کار تبیین و مشخص شده و انعکاس آن‌ها در کتب درسی فراگیران (علی‌الخصوص دانشجویان) آورده شود.

✓ با توجه به نتایج پژوهش، بحث محتوای کاربردی و فاصله گرفتن از تئوری بودن در عدم ایجاد یادگیری‌های زائد در دانشجویان، بسیار حائز اهمیت است، لذا پیشنهاد می‌شود در واحدهای درسی، حجم بیشتری از آموزش، به مساله عملیاتی بودن محتوا و کاهش دادن مباحث تئوری مبذول شود.

- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت بررسی-های اقتصادی، مرکز گردآوری و تحلیل آمار.
- ۲۴- سیف نراقی، مریم؛ اولادیان، معصومه. "مقایسه نگرش کارآفرینی بر اساس ویژگی‌های فردی و متغیرهای شغلی و تحصیلی در خصوص عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی". مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳۹۰؛ ۳(۲): ۱۳۲ - ۱۱۳.
- ۲۵- بازرگان، عباس. مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران، انتشارات: دیدار، ۱۳۹۳.
- ۲۶- فراستخواه، مقصود. روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه برپایه (گراندد تئوری GTM). تهران، انتشارات: آگاه، چاپ نهم، ۱۳۹۹.
- ۲۷- عابدی، حیدرعلی. "کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی". فصلنامه راهبرد، ۱۳۸۸، سال نوزدهم، شماره ۵۴، ۲۲۴-۲۰۷.
- ۲۸- محسن پور، محدثه. "ارزیابی داده‌های کیفی"، فصلنامه علمی پژوهشی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، ۱۳۹۰، ۳ و ۴(۲۴): ۵۵ - ۵۰.
- 29- Kirkpatrick DL, Kirkpatrick JD. Transferring learning to behavior. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers 2005.
- ۳۰- حسینی لرگانی، سیده مریم؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه؛ زرافشانی، کیومرث. "مفهوم سازی یادگیری زائد و راهکارهای کاهش آن در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی". فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۳۹۴، ۵(۹): ۳۳ - ۹.
- ۳۱- صفایی موحد، سعید؛ طرخان، رضاعلی. "چه چیزی باعث معایب برنامه درسی در آموزش فنی و حرفه‌ای می‌شود؟". کنفرانس آموزش فنی و حرفه‌ای در کره جنوبی، ۱۳۹۶.
- ۳۲- ایروانی، زهره. "شناسایی برنامه درسی زاید از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان در دوره دوم متوسطه"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- ۳۳- شریعت، رضا. "فرار مغزها". نشریه کار و جامعه، ۱۳۸۱؛ ۴۳: ۲۷-۲۲.
- 34- Deci EL, Ryan RM. The initiation and regulation of intrinsically motivated learning and achievement. In A. K. Boggiano, & T. S. Pittman (Eds.), *Achievement and motivation: A social*
- Empliyee Competencies February 2012. www.vadoinc.net.
- 12- Eggleston M. Integrating E-Learning into your Training Portfolio, Training Industry Quarterly magazine 2013; Published originally on TrainingIndustry.com on November 22.
- 13- Mattox JR. Scrap learning and manager engagement. Chief Learning Officer 2011; 10(4): 48-50.
- 14- Mattox JR. Scrap learning—your programs are not as good as you think they are. Training Industry Conference & Exposition 2015; 7 May.
- ۱۵- برشان، ادیبه؛ صفایی موحد، سعید، فرزاد، ولی اله؛ کیامنش، علیرضا؛ مقدم زاده، علی. "عوامل مؤثر بر شکل گیری یادگیری زائد در آموزش‌های ضمن خدمت (یک مطالعه کیفی)". مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱۳۹۷، ۷(۴)، ۴۲۷ - ۴۱۸.
- 16- King K. Moving the Needle: How Skill Soft Learning Impacts Performance of Individuals and Organizations. Skill Soft Ireland 2011; 1-15.
- ۱۷- حسینی لرگانی، سیده مریم؛ فتحی واجارگاه، کوروش. "مفهوم سازی برنامه درسی زائد در نظام آموزش عالی ایران". پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۳۹۷، ۲(۳۰): ۲۷ - ۱.
- 18- Montesino MU. A descriptive study of some organizational behavior dimensions at work in the Dominican Republic: Implications for management development and training. Human Resource Development International 2002; 5 (4): 393-410.
- 19- Holton EF, Baldwin TT. Making transfer happen: An action Perspective on learning transfer systems. In EF Holton & TT Baldin (Eds.), Improving learning transfer in organizations San Francisco 2003; Jossey-Bass: 3-15.
- ۲۰- چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، پاییز ۱۳۹۹، ص ۵.
- 21- Saks AM, Belcourt M. An investigation of training activities and transfer of training in organizations, Human Resource Management 2006; 45 (4): 629- 648
- ۲۲- باوفا، داود؛ دهقانی، مرضیه؛ جوادی پور، محمد؛ محمد کاظمی، رضا. "واکاوی شایستگی‌های کارآفرینانه در برنامه درسی رشته علوم تربیتی: یک مطالعه سنتزپژوهی". دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۳۹۸؛ ۱۰(۲۰): ۲۰۶ - ۱۸۷.
- ۲۳- بررسی وضعیت نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی کشور در سال‌های ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۲.

۳۷- اسپالدینگ، ال. انگیزش در کلاس درس، ترجمه حسن یعقوبی، ایرج خوش خلق، تهران، انتشارات: دانشگاه تربیت معلم تبریز، ۱۳۸۴.

۳۸- محمدی، مهدی؛ نوروزی، سحر. "ارزیابی دانشجویان از تجانس محیط‌های یاددهی یادگیری - دوره های کارشناسی دانشگاه شیراز". نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۳۹۸؛ ۱۶(۱): ۲۶-۲۱.

۳۹- شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روشها و فنون تدریس (جلد اول)، تهران: انتشارات: سمت، ۱۳۸۷.

developmental perspective. Toronto, ON: Cambridge University Press 1992; pp. 3-36.

۳۵- ارسائیان، محمد. روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۳۶- معمر حور، جمال؛ دهقانی، مرضیه؛ علی پور، عادل؛ شعبانی فرد، مجید. "فرا تحلیل عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانشجویان در ایران". نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۳۹۷؛ ۱۵(۲): ۲۶-۱۷.